

شاهراههای مجازی، پسکوچه‌های ظلمانی

محمد قانند

mGhaed@lawhmag.com

هزار شیعه واجب‌القتل را دسته‌جمعی بکشند، وقتی هول و هراس عادی می‌شود بعد چه؟ فقدان واقعی جز از دست رفتن همان پنججاه جهادگر است؟

کسانی در این سایتها نظر داده‌اند می‌توان و باید برای حمل مواد منفجره از آمواره‌های کامپیوتری و هواپیمای بدون خلبان بهره گرفت. کسانی از آنها — گرچه ظاهراً باید مسلمانانی باشند پایبند اصول طهارت و پرهیز از نجاست — در چت‌روم‌ها نوشته‌اند تربیت سگ حامل بمب و قادر به تشخیص لباس نظامیان هم می‌تواند یک راه حل باشد.

بسیار احتمال دارد سازندگان چنین ابزارهایی مسلمان، عرب، پاکستانی یا عراقی نباشند. حتی تربیت کردن سگ را باید از کفتار یاد گرفت. اما چه غم. در عهد جنگهای صلیبی، پایها مسیحیانی را که به مسلمانان محارب شمشیر و جنگ‌افزار می‌فروختند لعنت می‌کردند و به آتش جهنم حواله می‌دادند. اگر هم بیهوده نبود کم‌اثر بود. تاجر موفق می‌گوید: این نقد بگیر و دست از آن نسیه بردار.

در حالی که سطح جهادیون غارمحور القاعده از گوشت دم‌توپ به حد شیمیدان و متخصص کامپیوتر و بلاگر ماهر ارتقا می‌یابد، پهنای اینترنِت در ایران به طرزی اعجاب‌آور — و شاید یگانه در جهان — در حد دهه ۱۹۹۰ درجا می‌زند و سرعت مبادله اطلاعات افغان و خیزان و لنگان مانده است. حتی برای نامه‌های کوتاه، ارتباط اینترنِتی چندین بار غش می‌کند، تا چه رسد به ارسال و دریافت فایل‌های فیلم و موسیقی.

ناصحانی تلفن همراه و بلوتوث را آفتی بدتر از مواد مخدر — و لابد بلائی شنیع در حد به‌گردش بردن سگ — می‌دانند. شهریور امسال در سمپوزیوم بین‌المللی مخابرات در تهران، دبیرکل اتحادیه جهانی مخابرات درباره کیفیت ارتباطات تلفن همراه و اینترنِت و هزینه‌های آن در ایران گفت: وقتی در اتومبیل با تلفن همراه صحبت می‌کردم چندین بار ارتباط قطع شد و این اصلاً خوب نیست. هنگام سخنرانی همین مقام، گوشی و مترجم همزمان فراهم نبود و چیزی از سخنانش عاید غالب خبرنگاران نشد.

ناظران خارجی از شنیدن اینکه در ایران شرکت تلفن متعلق به دولت است تعجب می‌کنند اما پس از اینکه از بهای حیرت‌آور سیم‌کارت تلفن همراه در این کشور با خبر شدند به حیرتی مضاعف گرفتار می‌آیند که مگر یک تکه مقوا چقدر می‌ارزد. ایران نه تنها ملت خویش بلکه جهان را به حیرت می‌افکند.

اگر زیر بلوارهای روشن جوامعی که شاهراههای اینترنِتی دارند پسکوچه‌هایی ظلمانی رشد می‌کند، پس شاید حق با مدیران جوامعی باشد که صلاح می‌بینند کل جامعه در خم اولین کوچه بماند تا گرفتار عواقب تجدد نشود.

شهر

در میان شهرهای بزرگ غرب که از سالیان پیش کاروانسرای مهاجران آسیا و آفریقا بوده‌اند شاید تنها پاریس توانسته باشد خود را از آفت حاشیه‌نشینی در امان بدارد. از نیمه دوم قرن نوزدهم پس از تعریض خیابانها در بی‌وقایع کمون پاریس، با سختگیری شدید نسبت به شکل درها و جنس دیوارها و حتی رنگ نمای خارجی پنجره‌ها، تمام آن شهر تقریباً یکدست مانده است.

در پاریس تاکنون محلاتی مشابه آنچه در لندن و رفته‌رفته بروکسل و جاهای دیگر اروپا اصطلاحاً خارج از محدوده خوانده می‌شود به وجود نیامده — محله‌هایی که گویی نقبهایی اند به دنیای سوم، با ساکنانی دارای آئین و عادات و فرهنگی متفاوت از ساکنان بومی شهر.

اما حتی شهری چنین شسته‌رفته و یکدست هم پسکوچه‌هایی نیمه‌تاریک از نوعی جدید در اعماق خود می‌پروراند: دهلیزهای آفاق مجازی اینترنت؛ سایتهایی که ورود به آنها جز با کسب رمز ورود از گردانندگان میسر نیست؛ چت‌روم — یا گپ‌ستان — هایی که در آنها موضوعهایی درگوشی به بحث گذاشته می‌شود.

اسرار مگوی این بخش از دنیای اینترنت شامل آن چیزهایی نیست که در نخستین وهله به ذهن می‌رسد. از چند سال پیش، دولتهای غرب علیه هرزنامه‌ای که تصویر انسان برهنه را بی‌اجازه گیرنده به چشم او تحمیل کند دست به اقدام جدی زده‌اند. در آمریکا، ارسال انبوه تصاویر بی‌پرده‌ای که بدون رضایت گیرنده خود به عیان باشد در شمار جرایم کیفری فدرال است و تعقیب مرتکبان نیاز به شاکتی خصوصی ندارد.

در پسکوچه‌های اسرارآمیز جدید صحبت از بدن هست، اما خواهشهای تن‌اصلاً. گرچه سرک کشیدن در این سایتها کار و بگرد معمولی نیست، به برکت سماجت جواسیس و ابزار پیشرفته سازمانهای اطلاعاتی غرب خبرهایی از آن پس‌و‌پشت‌ها می‌رسد.

در چند سایت شدیداً حفاظت‌شده جهادیون القاعده، موضوع گپ‌وگفت مشتریان مرگ به‌عنوان اصل، و زندگی به‌عنوان فرع و راه نیل به آن غایت است: چگونه می‌توان ابزاری به کار گرفت تا در عملیات انفجاری حاجت به استشهاد — یا انتحار یا هرچه — نباشد.

یک موضوع این است که قتل غافلگیرانه و فله مردم کوچه و بازار رفته‌رفته خبر داغ محسوب نمی‌شود و اشمئزاز اولیه افکار عمومی جهان نسبت به چنین فجایعی جای خود را به بی‌تفاوتی و تحقیر می‌دهد: طبق معمول هر روز، باز مسلمانها در کمال خونسردی چند دوجین مسلمان را در بازار تره‌بار قطعه‌قطعه کرده‌اند.

موضوع دوم و مهمتر، پس از سالها عملیات انتحاری بین ساعات ده تا یازده صبح، چند مؤمن ایثارگر جدید می‌توان برای ادامه چنین عملیات خونینی بسیج کرد؟ پنججاه مؤمن دیگر هم اگر بتوانند دو